

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((باهمکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۵۲۱/۳۳۰۱

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۱۹/۵۷۱۱ رده بندی کنگره: الف ۹۰۳/۷۰۴۷

بررسی و شناخت ویژگی های اخلاقی با نگاهی به ویژگی های شخصیتی با هدف رسیدن به آینده ای درخشان در زندگی

حمید بنی اسد^۱ - شیرین دخت نگارستانی - ناهید بنی اسدنگاری

چکیده

شخصیت مجموعه ای از ویژگی ها و تمایلات نسبتاً پایداری است که مشترکات و تفاوت ها در رفتار روانی افراد را که دارای استمرار زمانی است، مشخص می سازد و ممکن است در همان لحظه به آسانی به عنوان پیامد مجرد فشارهای اجتماعی و زیستی درک نشود. بعبارتی شخصیت، بیانگر آن دسته از ویژگیهای فرد یا افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری آنهاست. با این وصف، ویژگیهای شخصیت بر تفاوت های بین افراد تمرکز دارد. توجه به ویژگی های شخصیتی افراد و سبکهای عشق ورزی که سبب احساس نزدیکی دو نفر به یکدیگر می شوند از اهمیت بسزایی در بررسی کیفیت زندگی برخوردار هستند. مقوله کیفیت زندگی و آینده درخشان فرد به این دلیل اهمیت دارد که در صورت نادیده گرفتن می تواند منجر به ناامیدی، بی انگیزه شدن و کاهش فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی شده و در ابعاد عمیق تر بر توسعه اجتماعی اقتصادی کشور تاثیر بگذارد همچنین کیفیت پائین زندگی سبب افسردگی، انزوای اجتماعی، کاهش انجام فعالیتهای روزمره زندگی، وابستگی و افزایش بار اقتصادی و... می شود. عوامل متعددی از جمله عوامل جسمانی، روانی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، تفریحی و معنوی بر کیفیت زندگی و آینده فرد تاثیر گذار هستند زیرا کیفیت زندگی ساختاری ذهنی و پویا است که به مقایسه وضعیت زندگی گذشته یا حوادث اخیر در همه جوانب مثبت و منفی می پردازد. در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت ویژگی های اخلاقی با نگاهی به ویژگی های شخصیتی با هدف رسیدن به آینده ای درخشان در زندگی بپردازیم.

واژگان کلیدی: آینده درخشان، کیفیت زندگی، شخصیت، ویژگی های اخلاقی، اخلاق و

روحیات شخصی

بخش اول: بررسی و شناخت واژه شخصیت

صاحب نظران حوزه شخصیت و روان شناسی از کلمه شخصیت تعریف‌های گوناگونی ارائه داده اند. از نظر ریشه ای، گفته شده است که کلمه شخصیت که معادل کلمه Personality انگلیسی است درحقیقت از ریشه لاتین Persona گرفته شده که به معنی نقاب یا ماسکی بود که در یونان و روم قدیم بازیگران تئاتر بر چهره می گذاشتند. این تعبیر تلویحاً اشاره بر این مطلب دارد که شخصیت هر کس ماسکی است که او بر چهره خود می زند تا وجه تمیز او از دیگران باشد. هیلگارد (Hilgard) «شخصیت را» الگوهای رفتار و شیوه‌های تفکر که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می کند تعریف کرده است در حالی که برخی دیگر «شخصیت» را به ویژگیهای «پایدار فرد» نسبت داده و آن را بصورت مجموعه ویژگیهایی که با ثبات و پایداری داشتن مشخص هستند و باعث پیش بینی رفتار فرد می‌شوند تعریف می‌کنند. شخصیت به همه خصلتها و ویژگیهایی اطلاق می‌شود که معرف رفتار یک شخص است، از جمله می‌توان این خصلتها را شامل اندیشه، احساسات، ادراک شخص از خود، وجهه نظرها، طرز فکر و بسیاری عادات دانست. اصطلاح ویژگی شخصیتی به جنبه خاصی از کل شخصیت آدمی اطلاق می‌شود (شولتز، ۱۳۸۴). شخصیت از دیدگاه مردم: واژه «شخصیت» در زبان روزمره مردم معانی گوناگونی دارد. یکی از معانی آن مربوط به هر نوع صفت اخلاقی یا برجسته است که سبب تمایز و برتری فردی نسبت به افراد دیگر می‌شود مثلاً وقتی گفته نمی‌شود «او با شخصیت است.» یعنی «او» فردی با ویژگیهایی است که می‌تواند افراد دیگر را با «کارآیی و جاذبه اجتماعی خود» تحت تأثیر قرار دهد. در درسهایی که با عنوان پرورش شخصیت تبلیغ و دایر می‌شود، سعی بر این است که به افراد مهارت‌های اجتماعی بخصوصی یاد داده، وضع ظاهر و شیوه سخن گفتن را بهبود بخشند با آنها واکنش مطبوعی در دیگران ایجاد کنند همچنین در برابر این کلمه، کلمه «بی‌شخصیت» قرار دارد که به معنی داشتن «ویژگیهای منفی» است که البته به هم دیگران راتحت تأثیر قرار می دهد اما در جهت منفی. شخصیت از دیدگاه روانشناسی: دیدگاه روانشناسی در مورد «شخصیت» چیزی متفاوت از دیدگاههای «مردم و جامعه» است در روانشناسی افراد به گروههای «با شخصیت و بی‌شخصیت» یا «شخصیت خوب و

شخصیت بد» تقسیم نمی شوند؛ بلکه از نظر این علم همه افراد دارای «شخصیت» هستند که باید به صورت «علمی» مورد مطالعه قرار گیرد این دیدگاه به شخصیت و انسان» باعث پیدایش نظریه های متعددی از جمله : «نظریه روانکاوی کلاسیک، نظریه روانکاوی نوین، نظریه انسان گرایی، نظریه شناختی، نظریه یادگیری اجتماعی و ... در حوزه مطالعه این گرایش از علم روانشناسی شده است. (کریمی، ۱۳۸۶).

بخش دوم: بررسی و شناخت ویژگی های اخلاقی و شخصیتی

نظر به اینکه شخصیت تشکیل شده است از الگوهای ویژه فکری، احساسی و رفتاری که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می سازد. می توان عنوان داشت که شخصیت، سرچشمه درونی دارد و در طول حیات، تقریباً پایدار باقی می ماند. روان شناسان شخصیت، ویژگی های یگانه افراد و نیز مشابهت ها بین گروه هایی از افراد را مورد مطالعه قرار می دهند. بنابراین، توجه به شخصیت افراد و تمایز قائل شدن بین افراد بر اساس ویژگی های شخصیتی آنان طی قرن های متمادی همواره مورد بحث بوده است. اگر رجوعی به نظریات داشته باشیم خواهیم دید که ویژگی های شخصیت همواره مد نظر صاحب نظران و نظریه پردازان قرار داشته است. فی المثل آنجائیکه بقراط اقدام به دسته بندی انسان کرده است. بقراط جوامع انسانی را بر اساس چهار خلط مزاجی، صفراوی، دموی، بلغمی و سوداوی تقسیم می کند. لومبروزو زیست شناس معروف، انسان ها را بر اساس علائم فیزیولوژیک تقسیم بندی می کند. و در دوران معاصر شلدون انسان ها را در سه گروه آندومورف، مزومورف و اکتومورف تقسیم بندی کرده است. اما در جدید ترین تقسیم بندی در حوزه روانشناسی توسط آیسنک، انسان ها بر دو گروه درون گرا و برون گرا تقسیم می شوند که هر کدام از این گروه های انسانی دارای ویژگی های منحصر بفردی از نظر این نظریه پردازان هستند بنحوی که این ویژگی ها نحوه زندگی و رفتارهای اجتماعی آنان را سمت و سوق ویژه ای می بخشد (کریمی، ۱۳۸۶).

بند اول: شکل‌گیری شخصیت

از شخصیت تعارف مختلفی شده است که در این نوشته تنها به چند تعریف اکتفا می‌شود. شخصیت، بیانگر آن دسته از ویژگیهای فرد یا افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتارهای آنهاست (عبدی، باباپور و صادری، ۱۳۸۷). در تعریف دیگری آورده شده که شخصیت عبارت است از سازمان متكاملی، مرکب از خصائص بدنی و روانی آدمی اعم از ذاتی و مكتسب که جمعاً معرف هویت فرد آدمی است و او را از سایر افراد جامعه به طور روشن متمایز می‌سازد. شخصیت حقیقتی است واحد و غیر قابل تقسیم که چگونگی سازگاری اختصاصی فرد آدمی را با محیط و اجتماع تعیین می‌کند (عابدینی، ۱۳۸۷). در حوزه‌های علمی مختلف نسبت به شکل‌گیری شخصیت افراد نظریات متفاوتی ابراز شده است که اجمالاً می‌توان به دو گروه تاثیر زن ها و تاثیر اجتماع در شکل‌گیری شخصیت اشاره کرد. هر چه به گذشته تاریخی برگردیم تاثیر زن ها در شخصیت و منش انسان ها را پررنگ تر از دوران معاصر - هر چند به صورت تلویحی - می‌توان مشاهده کرد که رفتار افراد ناشی از ذات آنان است و هر چه به دوران معاصر نزدیک تر می‌شویم رویکرد تاثیر اجتماع بر شخصیت و منش افراد فزونی می‌یابد. در روانشناسی اجتماعی علاوه بر تاثیر روحی و روانی و ژنتیکی در شکل‌گیری شخصیت و منش انسان بر تاثیر موارد مختلف نهادها و محیط اجتماعی نیز تاکید می‌شود. حسب این رویکرد است که عنوان می‌شود افراد در محیط‌های اجتماعی دارای شخصیت‌های متفاوتی هستند. عبارتی، بر اساس این رویکرد، افراد بر اساس نقش‌های مختلفی که در محیط‌های اجتماعی متفاوت بر عهده می‌گیرند، شخصیت متفاوتی می‌یابند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶). رویکردهای موجود در باب شخصیت دیدگاه‌های موجود درباره شخصیت، به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

الف) التقاط‌گرایی خیرخواهانه

بسیاری از موارد درباره شخصیت، در یکی از این دو دسته قرار می گیرند؛ اما نوع سومی هم هست که دارای اهمیت قابل توجهی هستند. این دسته از گرایش التقاط گرایی خیرخواهانه، گستردگی و موازنه‌ای را که برای بررسی بسیاری از نظریه‌های مربوط به شخصیت ضروری است، کسب می کنند، و از طرفداری متعصبانه، این عقیده را که برخی از نظریه‌ها از سایرین بهترند، وام می گیرند. هدف کلی «تحلیل تطبیقی» است، پرده برداشتن از شباهتها و تفاوت‌های میان بسیاری از رویکردهای موجود به شخصیت است، و این پرده‌برداری را نقطه شروعی است برای تعیین اینکه سودمندترین رویکرد کدام است. تحلیل تطبیقی در جستجوی فهم بهتر، باید جامع، منظم و ارزیابی کننده باشد. اگر چه رویکردهای التقاط گرایی خیرخواهانه و طرفداری متعصبانه، هر یک مزایایی مختص به خویش دارند، با این حال، هنگامی که تعدادی از نظریه‌های سازگار در دسترس باشند، نه رویکرد التقاط گرایی خیرخواهانه موجب رشد این حوزه علمی خواهد شد، و نه رویکرد طرفداری متعصبانه. هیچ کس نمی‌کوشد تا ارزش نسبی انواع رویکردهای موجود را تعیین کند، و حتی در نسل‌های بعدی، کسانی که دست‌اندر کارند به تقلید از اسلاف خود می‌پردازند و تنها، استادی و مهارتشان اندکی بیشتر می‌شود؛ ولی هیچ‌گونه تغییرات چشمگیر و پیشرفتهای شگرف پدید نخواهد آمد، مگر اینکه نگرش تحلیل تطبیقی رشد یابد. افرادی که در این حوزه معرفتی کار می‌کنند، می‌توانند به جای اینکه انرژی خود را در مناقشات متعصبانه و رقابت جویانه به هدر دهند، تشریک مساعی کنند و این تشریک مساعی مرحله متوسطی از رشد این حوزه معرفتی را فراهم می‌آورد (کریمی، ۱۳۸۴).

بند دوم: ماهیت شخصیت

اکنون گزاره‌ای راجع به ماهیت کلی شخصیت بیان می‌کنیم که بر حسب انواع اموری که شخصیت شناسان انجام می‌دهند معنی‌دار باشد: شخصیت عبارتست از مجموعه ثابتی از خصلتها و گرایشهایی که آن دسته از وجوه اشتراک و تفاوت‌های رفتار روانشناختی افراد (افکار، احساسات و اعمال) را تعیین می‌کند که استمرار زمانی دارند و ممکن نیست بسادگی آنها را به عنوان نتیجه اختصاصی فشارهای اجتماعی و زیست‌شناختی موقتی فهم

کنیم. تنها بخشی از این گزاره که ممکن است نیازمند توضیح باشد، گرایشها و خصلتهاست. «گرایشها» عبارتند از: فرآیندهایی که جهت‌گیری در افکار، احساسات و اعمال را معین می‌کنند؛ و «خصلتها» عبارتند از: ساختارهای ثابت شخصیت که نه برای حرکت به سوی اهداف یا تحقق کارکردها، بلکه برای تبیین واقعیت و محتوای اهداف یا مقتضیات به کار می‌روند. «خصلتها» همچنین برای تبیین افکار، احساسات و اعمالی که علی‌الظاهر بیش از آنکه جهت‌دار باشند، در طبیعت تکرار می‌شوند، به کار می‌روند. نمونه‌ای از یک «گرایش» می‌تواند تلاش برای وصول به کمال در زندگی باشد، در حالی که «خصلتهای» مرتبط آرمانهایی‌اند، مثل زیبایی یا بزرگواری که کمال را معین می‌کنند (شاملو، ۱۳۸۲).

بخش سوم: روان‌شناسی رشد شخصیت به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های اخلاقی

تاریخچه زندگی یک فرد در واقع مدتها پیش از تولد او آغاز می‌شود زیرا تأثیر عوامل ژنتیکی و محیطی پیش از تولد آغاز می‌شوند. معمولاً رشد شخصیت را پس از تولد طی چند دوره مورد مطالعه قرار می‌دهند که عبارتند از: دوره شیرخوارگی (از تولد تا ۲ سالگی)، دوره پیش دبستانی (۲ تا ۶ سالگی)، دوره کودکی میانه (۶ تا ۱۲ سالگی) و دوران بلوغ. دوران شیرخوارگی از جهات گوناگون بر رشد شخصیت در دوره بزرگسالی تأثیر می‌گذارد. مثلاً وجود واکنش مانع محرک در بعضی از نوزادان است که در نهایت منجر به اختلال شخصیتی در خود ضروری می‌شود. وابستگی یکی از واکنشهایی است که در دوران نوزادی در نوزاد نسبت به مادر ایجاد می‌شود که حاکی از احساس امنیت خاطر در نوزاد بر اثر وجود و حضور مادر است این الگوی رفتاری در حیوانات نیز مشاهده شده است. در دوره پیش دبستانی بسیاری از الگوهای رفتاری نظیر رفتار اکتشافی، اضطراب، سخنگویی که در دوره شیرخوارگی آغاز شد در این دوره به تکامل خود ادامه داده و شکل‌گیری شخصیت را در مرحله ای بالاتر امکان‌پذیر می‌سازند. دوره کودکی میانه را روانکاوان دوره نهفتگی از نظر رشد جنسی می‌دانند در این دوره کودک در محیط مدرسه

با کودکان دارای شخصیت‌های گوناگون در تماس و مراوده است و مدرسه نقش مهمی در اجتماعی کردن کودک ایفا می کند. دوره بلوغ با رشد سریع و تغییرات بارز جسمی مشخص می شود. ظهور علائم ثانوی جنسی در پسران و دختران مختص این دوره است. این تغییرات جسمی با تغییرات روانی مختلفی همراه است.

بند اول: اختلافات شخصیت

اختلالات شخصیت با اختلالات روانی از قبیل روان رنجوری و روان پریشی تفاوت دارند. این الگوهای اختلالی رفتارهایی هستند که برای دیگران زیان آور بوده یا منبع پاداش دهنده آنها از نظر اجتماعی مضر یا غیر قانونی شناخته شده است. عمده ترین اختلالات شخصیت عبارتند از: شخصیت نافع - پرخاشگری با وجود ظاهری همکاری کننده و پذیرش، با طفره رفتن، سماجت و ناکارآمدی مشخص می شود. شخصیت ناکارآور عدم کارآیی او است نه خصومت داشتن که مختص شخصیت نافع پرخاشگر است. شخصیت هیستریایی با عدم ثبات عاطفی، خود نمایی، خود محوری و اتکاء به دیگران مشخص می شود. شخصیت ادواری خوی که بیشتر در مردان دیده می شود از یکسو شبیه شخصیت هیستریایی و از سوی دیگر شبیه به شخصیت اسکیزوئیدی است در واقع این تیپ شخصیتی نمایشگر شکل ملایمی از شیدائی - افسردگی است. شخصیت اسکیزوئیدی که عملاً با خود بیگانه است، خجول بودن، حساسیت بیش از حد و مردم گریزی بعضی از دیگر از مشخصات شخص اسکیزوئید هستند. شخصیت ضعیف علاوه بر داشتن حالت اسکیزوئیدی علائم دیگری چون زود خسته شدن، فقدان اشتیاق و علاقه و سطح انرژی پائین را دارند. شخصیت پارانویایی ویژگیهایی از جمله حسادت، مسکوک بودن، خشک و انعطاف ناپذیر بودن و حساس بودن بیش از حد را دارند (کریمی، ۱۳۸۴).

بخش چهارم: بررسی و تحلیل علمی و اخلاقی کیفیت زندگی

مفهوم کیفیت زندگی طی قرن های متمادی همواره موضوعی چالش برانگیز و متأثر از نوع جهان بینی افراد بوده است. آغاز بحث کیفیت زندگی به زمان ارسطو (۳۲۲ -

۳۸۴ قبل از میلاد) برمی گردد. ارسطو بویژه در کتاب اخلاق نیکو ماخس به موضوع سعادت انسانی و اینکه سعادت چیست، متشکل از چه فعالیت هایی است و چگونه می توان سعادتمند شد، می پردازد. او زندگی خوب را معادل شاد کامی میدانند در قرنهای بعد، این موضوع در بین فلاسفه اسلامی جایگاه ویژه ای پیدا کرد چنان که ابن سینا در اشارات، ملاصدرا در اسفار، امام خمینی (ره) در تقریرات فلسفی درسهای اسفار و بسیاری دیگر از علمای اسلامی در باب سعادت و شادکامی بحث های مبسوطی مطرح کرده اند. رویکرد آکادمیک به کیفیت زندگی از سال ۱۹۲۰ میلادی یعنی زمانی که پیگو در کتاب اقتصاد و رفاه به این موضوع پرداخت، سیر تازه‌ای پیدا کرد. از دهه ۱۹۳۰ محققان به ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق مختلف جهان پرداختند و بعثت گستردگی، تدریجاً در سایر علوم مانند روان شناسی، اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی و پزشکی بصورت یک موضوع میان رشته ای مورد توجه قرار گرفت ولی حدود ۴۰ سال قبل برای اولین بار کیفیت زندگی در رابطه با وضعیت سلامت مطالعه و گزارش شد (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷). سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۰، مفهوم کیفیت زندگی را درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت های آنان تعریف کرد. تعریفهای جدیدتر، کیفیت زندگی را اختلاف بین سطح انتظارات انسان ها و سطح واقعیت ها عنوان می کنند و هرچقدر این اختلاف کمتر باشد، کیفیت زندگی بالاتر میرود. بنابراین کیفیت زندگی کاملاً فردی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه های مختلف زندگی آنان استوار است. از سویی شکل گیری، رشد و گسترش مفهوم کیفیت زندگی طی نیم قرن اخیر، آن را به مفهومی کلیدی و مهم در عرصه مباحث جهانی و مسائل انسانی تبدیل کرده است بطوری که امروزه در کنار مفاهیم کیفیت زندگی، کیفیت زندگی کاری، رضایتمندی از زندگی و هم مطرح است که به عنوان Quality Adjusted life year (QALY) کیفیت زندگی وابسته به سلامت مفهوم دیگری بنام یک شاخص بهداشتی بجای شاخص امید به زندگی بکار می رود و حاکی از گسترش مفهوم کیفیت زندگی است. مفهوم اخیر ترکیبی از کمیت (تعداد سال های باقی مانده

عمر) و کیفیت (وضعیت بهره برداری از عمر) زندگی است که نشان دهنده تعداد سال های عمر با رضایت مندی و نشاط و بدون درد و رنج و علایم بیماری است. از سویی نظریات اولیه مربوط به کیفیت زندگی، بیش تر بر نگرانی ها و اولویت های فردی تأکید داشتند؛ اما در سال های اخیر مباحث نظری، از فرد محوری به سمت نگرانی های اجتماعی نظیر امنیت، آزادی، گستردگی کیفیت زندگی و ساختار و کیفیت روابط اجتماعی افراد در جامعه تغییر یافته است. با این وصف، به طور کلی می توان کیفیت زندگی را با استفاده از شاخص های ذهنی و عینی محاسبه نمود. شاخص های ذهنی، منعکس کننده ارزیابی ذهنی افراد از زندگی می باشند. این ارزیابی با استفاده از اطلاعات افراد که وضعیت رفاهی خود را از طریق پرسشنامه های مختلف و یا سرشماری ها، اظهار نموده اند، به دست می آید. چنین شاخص هایی، نشان دهنده شرایط کلی زندگی افراد و نحوه نگرش آن ها به این شرایط بوده و با جمع آوری و تحلیل آماری این شاخص ها، می توان به ارزش های طبقات مختلف اجتماعی پی برد (جواهری و همکاران، ۱۳۸۹). محاسبات عینی کیفیت زندگی، بر پایه متغیرهای قابل لمس بنیان نهاده می شوند. این متغیرها به صورت معمول توسط نهادهای رسمی جمع آوری و منتشر می شود. حساب های اقتصادی، بهداشت، آموزش، آلودگی شهری و سایر اطلاعات کلی، نمونه هایی از این گونه اطلاعات هستند. هدف روش عینی، بررسی وضعیت جامعه در حالت های کلی مانند اقتصاد کلان، وضعیت کلی جامعه و شاخص های مربوط به نفوس می باشد. طبق روش محاسبه عینی، کیفیت زندگی ممکن است به صورت رابطه متقابل میان این چهار، چهار مشخصه اساسی فعالیت های انسان تعریف گردد. مشخصه عبارتند از کیفیت جمعیت، رفاه مادی، کیفیت نظام اجتماعی و کیفیت اکوسیستم و محیط زیست. هرکدام از این مشخصه ها را می توان تا حدی که سیستم آمارگیری کشور اجازه می دهد، به صورت جزئی تری مورد استفاده قرار داد. به عنوان مثال، کیفیت جمعیت اشاره به شاخص های زاد و ولد، وضعیت فیزیکی افراد، وضعیت بهداشت، سطح آموزش و مهارت آن دارد؛ یا رفاه مادی به وسیله استانداردهای زندگی، درآمد، ارتباطات، تجارت، فرهنگ، سیستم بهداشتی و وسایل ارتباط جمعی تعیین می گردد. در بسیاری از مطالعات

تجربی پیرامون کیفیت زندگی، عوامل و شاخص های مختلفی مانند آب و هوا، بهداشت، جرایم اجتماعی، تفریحات، اشتغال و هزینه زندگی مورد توجه قرار گرفته است. البته باید در نظر داشت که با مطرح شدن ابعاد تازه ای از عوامل مؤثر در کیفیت زندگی انسان، شاخص های جدیدی به موارد فوق افزوده شده و وارد محاسبات مربوط به شاخص کیفیت زندگی شده است. برای مثال لیتمان که کیفیت زندگی در شهرهای مربوط به کشورهای جهان سوم، نیازمند شاخص های مکمل است تا بتواند بهتر، بیانگر واقعیات مربوط به آن شهرها باشد. استرا تژی شهری بانک جهانی (۱۹۹۹) برای شهرهای جهان سوم، بر روی چهار مشخصه اساسی قابلیت سکونت، رقابت پذیری، حکمرانی خوب و ورشکستگی ها متمرکز شده و این چهار عامل را نیز در افزایش رفاه ساکنین این شهرها دخیل می داند. با توجه به مطالعاتی که در حوزه بررسی کیفیت زندگی صورت گرفته است، می توان عنوان نمود که انتخاب متغیرهای مناسب و نحوه وزن دادن به آن متغیرها، مهم ترین مشکل این گونه مطالعات بوده است (باسخا و همکاران، ۱۳۸۹). در عین حال حسب جمع بندی های صورت گرفته، امروزه برای سنجش کیفیت زندگی بیشتر از چهار بعد استفاده می شود که عبارتند از حیطه سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیط. لازم به ذکر است که حیطه سلامت به مواردی مانند قدرت حرکت، فعالیتهای روزمره، ظرفیت کاری و انرژی، درد و خواب می پردازد. در حیطه سلامت روان تصور در مورد شکل ظاهری، احساسات منفی، احساسات مثبت، اعتماد به نفس، تفکرات، یادگیری، حافظه و تمرکز، مذهب و وضعیت روحی مورد سؤال قرار می گیرد. حیطه روابط اجتماعی ارتباطات شخصی، حمایت اجتماعی و زندگی جنسی را مورد سؤال قرار می دهد. حیطه سلامت محیط در مورد منابع مالی، امنیت فیزیکی، مراقبت های بهداشتی و اجتماعی، محیط فیزیکی محل سکونت، موقعیت های موجود برای کسب مهارت و اطلاعات جدید، موقعیت های تفریحی، محیط فیزیکی (آلودگی صدا و هوا و غیره) و حمل و نقل را سؤال می نماید (نجات و همکاران، ۱۳۸۶). در عین حال رویکردهای اجتماعی دوگانه ای نسبت به کیفیت زندگی وجود دارد که شامل عاملیت گرایی و ساختارگرایی است. رویکرد عاملیت گرا، کیفیت زندگی متأثر از آثار ذی نفعان در

ساختاریابی فرآیندهاست. بنابراین، تاکید بر فردگرایی داشته، جامعه را جمع جبری افراد آن می داند. اما رویکرد ساختارگرایی با نگاهی چند بعدی، جامعه را به عنوان یک کل بررسی می کند. این گونه توصیف و تشریح کیفیت زندگی بر گرفته از آنچه در حال فهمیده شدن از کیفیت زندگی است می باشد. در این دیدگاه تمرکز اصلی بر شاخص شناسی چند بعدی، شناسایی پیش بینی کننده های کیفیت زندگی و تاثیرات خصوصیات فرهنگی و عمومی بر نتایج سنجش کیفیت زندگی است. بنابراین تلاش بر این است تا مفهومی حقیقی با ملاحظات محلی - ملی مورد سنجش قرار گیرد. جدول ذیل نشان دهنده رویکردهای فرعی و خلاصه دو رویکرد عاملیتی و ساختاری است.

جدول رویکردهای نظری به کیفیت زندگی

رویکرد	رویکرد فرعی	اساس انتخاب گزینه	محوریت
عاملیتی	مطلوبیت گرایی	بیشترین لذت برای	لذت طلبی
	ارزش های عام	علاق آگاهانه افراد	ارزش های انتزاعی
	نیاز محوری	امور واقعی فردی مثل	ارزش های واقعی
	قابلیتی	آزادی و قابلیت های	قابلیت های فردی
	دیالکتیک	آزادی، برابری و انسجام	فردگرایی و جمع گرایی
ساختاری	کیفیت فراگیر	توجه بیشتر به عوامل	رفاه ذهنی و عینی به همراه
	کیفیت اجتماعی	امکانات و توانایی مالی	بهبود همبستگی اجتماعی

ماخذ جدول: برگرفته از؛ شفیعا و همکاران، ۱۳۹۲.

از سویی در یک جمع بندی می توان رویکردهای رایج در حیطه کیفیت زندگی را در جدول زیر خلاصه نمود.

جدول رویکردها و حوزه های علمی سنجش کیفیت زندگی

رویکرد و حوزه علمی	ابعاد مورد تاکید در کیفیت زندگی
فلسفی	ریشه های فکری و عوامل موثر بر خشنودی و رفاه انسان
اقتصادی	تندرستی با نگاه فایده گرایی
زیست شناختی	عوامل جسمی و زیستی پیدایش کجروی ها
روانشناختی	رشد کامل شخصیت به مثابه عامل اصلی کیفیت زندگی
روانشناسی اجتماعی	کنش های متقابل اجتماعی در محیط اصلی تحقیق
محیطی	محیط کالبدی، بستری است برای ساخت و ادراک کیفیت زندگی

ماخذ جدول: برگرفته از؛ شفیعا و همکاران، ۱۳۹۲.

اما در کنار این رویکردها، دو رویکرد عینی گرایی و ذهنی گرایی نیز مرسوم است. در تعریف ذهنی کیفیت زندگی متخصصان به جای قضاوت خود، احساس و ادراک مردمی را شاخص قرار می دهند. اما در کیفیت زندگی عینی که به شرایط بیرونی زندگی اشاره دارد، انعکاس دهنده واقعیات قابل مشاهده و ملموس است. در این میان رویکرد میانه ای نیز وجود دارد که شرایط عینی زندگی را با ارزیابی ذهنیات آنان مورد سنجش قرار میدهد (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۲). علاوه بر این نظریات، نظریه جهانی کیفیت زندگی نیز وجود دارد که تاکیدش در یک طیف ذهنی - اصالت وجود - عینی را در خود دارد. این سه طیف شامل:

۱. کیفیت زندگی ذهنی: عبارتست از احساسی که فرد از لذت بخش بودن زندگی خود دارد. هر فرد شرایط، احساسات و عقایدش را شخصاً ارزیابی می کند. رضایتمندی از زندگی این جنبه از زندگی را مشخص می کند.

۲. کیفیت زندگی اصالت وجود زندگی: به معنی لذت بخش بودن زندگی فرد در سطح عمیق می باشد. در این دیدگاه، فرض بر این است که فرد دارای ماهیتی عمیق تری است که شایسته احترام بوده و این که فرد می تواند منطبق با ماهیت خود زندگی کند. به عنوان مثال نیازهای بیولوژیکی فرد برطرف شود، رشد به حد کمال برسد و این که جریان زندگی منطبق با شاخص های معنوی یا با روح های دینی فرد باشد.

۳. کیفیت زندگی عینی: به معنی درک چگونگی لذت بخش بودن زندگی فرد توسط پیرامون می باشد (دنیای پیرامون لذت بخش بودن یا وضعیت فرد را درک کند). این دیدگاه تحت تاثیر فرهنگی می باشد که مردم در آن زندگی می کنند (ونتگود و مریک، ۲۰۰۳ به نقل از موحد و حسین زاده کاسمانی، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت قالب سبکهای عشق ورزی، ویژگیهای شخصیت و کیفیت زندگی برای ما مشخص می کند که فرد همواره با نگرش و شخصیت قوام یافته به اجتماع می پیوندد. درست است که نوع نگرش و شخصیت افراد برای همیشه ثابت نمی ماند اما وقتی که او داخل اجتماع می شود، رفتارهای تثبیت شده ای دارد. نحوه تعبیر و تفسیر افراد از زندگیشان بر سطح نگرش آنها و بر آنچه در هنگام زندگی مشترک می آموزند و سرانجام بر رفتار شخصی آنها تاثیر دارد، پیامدهای مختلفی را بدنبال دارد. بر اساس این مدل، رفتار فرد از استعدادها و مهارتهایی که هنگام پیوستن به گروهها و نهادهای اجتماعی دارد، تاثیر می گیرد هر چند به مرور زمان این تغییراتی را به خود می گیرد. بنابراین درک افراد از زندگی اجتماعیشان می تواند منتج از سبکهای عشق ورزی، ویژگیهای شخصیتی و کیفیت زندگیشان باشد که این خود اثرات عدیده ای را بدنبال دارد. به نحوی که این سه عنصر با هم می توانند قوام زندگی را بدنبال داشته و یا ناهمگنی بین این سه عنصر و سازه اجتماعی - روانشناختی، سبب نخوت و سستی پایه های زندگی فرد شود. به هرصورت نتایج بررسی حاضر نشان داد که سبکهای عشق ورزی و ویژگیهای شخصیتی می توانند سبب افزایش کیفیت زندگی زوجین شوند به نحوی که اگر

جهت سبکهای عشق ورزی و ویژگیهای شخصیتی افراد و حتی زوجین به سمت شاخص های مثبت جریان داشته باشند، می تواند سبب ارتقاء کیفیت زندگی فرد شوند. در مجموع حسب یافته های این پژوهش می توان گفت از آنجا که نهاد خانواده یکی از مهم ترین نهادهای جامعه انسانی است که با وجود تحولات گوناگونی که در آن رخ داده، همچنان کارکردهای مهمی بر عهده دارد؛ سبک های عشق ورزی و ویژگیهای شخصیتی به عنوان شاخصه هایی باید تلقی شوند که می توانند دوام زندگی های زناشویی خانوادگی را تضمین نمایند. از این رو بایسته است در مشاوره ها به سبک های عشق ورزی و ویژگیهای شخصیتی افراد در خصوص جهت مند کردن کیفیت زندگی خانواده ها نیز بحث شود.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- *ایزدی، سیروس (۱۳۹۸)، روان شناسی شخصیت از دیدگاه مکاتب، تهران، انتشارات دهخدا.
- *احمدی رکن آبادی، ناهید (۱۳۹۹) بررسی تاثیر آموزش صمیمیت با رویکردهای اسلامی بر عملکرد خانواده و کیفیت زندگی زنان متاهل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات واحد یزد.
- *بیات معصومه و محبوبه بیات (۱۳۸۹) بررسی کیفیت زندگی زنان در شهر مشهد، اندیشه های راهبری زن و خانواده، بیجا.
- *براتی، ناصر و محمد رضا یزدان پناه (۱۳۹۰) بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری، جامعه پژوهی فرهنگی، صص ۴۹-۲۵.
- *حمید، نجمه و مهدی زمستانی (۱۳۹۲) رابطه هوش معنوی و ویژگیهای شخصیت با کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی، مجله پزشکی هرمزگان، صص ۳۵۵-۳۴۷.
- *رضوانی، محمد رضا و حسین منصوریان (۱۳۹۴) سنجش کیفیت زندگی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۲۶-۱.
- *سجادی، حمیرا (۱۳۹۶) کیفیت زندگی در گزارش وضعیت اجتماعی ایران، موسسه رشد، حمایت و اندیشه، تهران.
- *سماواتیان، حسین و همکاران (۱۳۹۷) رابطه بین ویژگیهای شخصیتی و نگرش نسبت به رعایت موارد ایمنی کاری کارکنان، بیجا، صص ۶۲-۴۸.

*شفیعا، سعید و همکاران، (۱۳۹۹). فرا تحلیل روش و نتایج پژوهش های کیفیت زندگی شهری در ایران، جامعه شناسی کاربردی، صص ۴۰-۲۱.

*صادقی، مسعود و همکاران (۱۳۹۱) بررسی تاثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک های عشق ورزی زوجین، پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، صص ۸۴-۷۱.

*جواهری، فاطمه و مرتضی حسین زاده (۱۳۹۱) پیامدهای اجتماعی اختلال هویت جنسی: سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی تغییر جنس خواهان در ایران، مجله مطالعات اجتماعی، صص ۴۸-۲۲.

*عبدی، حمزه و محمود گلزاری (۱۳۸۹) ارتباط میان سبکهای عشق ورزی و ویژگیهای شخصیتی، فصلنامه روانشناسی ایران، صص ۷۴-۵۳.

*فرحبخش، کیومرث و شفیع آبادی (۱۳۸۵) ابعاد عشق ورزی بر اساس نظریه سه بعدی عشق در چهار گروه زوج های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند، فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی، صص ۲۰-۱.

*فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، «تاریخ اندیشه ها و نظریات انسان شناسی» تهران، نشر نی.

*منصوری، نغمه (۱۳۹۴) بررسی ارتباط ویژگیهای شخصیتی و سبک های یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

ب) منابع لاتین

*Carter, C. S. (۲۰۲۱). Neuroendocrine perspectives on social attachment and love. *Psychoneuroendocrinology* ۲۳(۸), ۷۷۹-۸۱۸.

*Dietch, J. (۲۰۱۵). Love, sex roles and psychological health. *Journal of Personality Assessment* ۴۲(۶), ۶۲۶-۶۳۴.

*Hatfield, E., & Rapson, R. (۲۰۱۸). Love, sex and intimacy: The psychology, biology, and history. New York: Harper Collin. ۵۰۱.

* Pui Tung, Tang (۲۰۰۷) Romantic Relationship: Love Styles, triangular love and relationship satisfaction, , A Thesis submitted for the Degree of Bachelor of Social Sciences with Honors in Psychology at the City University of Hong Kong,

*Komisaruk, B. R., & Wipple (۱۹۹۸). Love as sensory stimulation: physiological

*Masuda, M. (۲۰۰۳). Meta-analysis of love scales: Do various love scale measure the same psychological constructs? Japanese Psychological Research

*Sternberg, R. J. (۱۹۸۶). Construct validation of a triangular theory of love. [Unpublished manuscript]. Yale University: New Haven.

*Steranberg,R.J (۱۹۸۶) Atriangular theory of love. Psaychological Review , ۹۳, ۱۱۹-۱۳۵.

*Straub. R. O. (۲۰۲۱). Health Psychology. New York: Worth Publishers.



پژوهش‌های حقوقی و قضایی

Academia.edu
California San Francisco

TPBIN.com
Sponsored And Indexed

CiteFactor
Academic Scientific Journals

مسابقات علمی ایران
Symposia

REF.IR

Directory of Research Journals Indexing

DRJI

Sponsored and Indexed by CIVILICA
We Respect the Science

CONF PAPER

ESJJI
www.EJJIindex.org

ICI WORLD OF JOURNALS

باهمایش

Bahamayesh.com
پهچنه نمتلار رسنسي
همایش‌های کشور

sciencealert

easyPapers
Scientific Research Services

CONF

INDEX COPERNICUS INTERNATIONAL

کنفرانس‌یاب

www.conferenceyab.ir

SID

تقویت رزومه

داوطلبان آزمون دکتری

اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دبیرخانه: تهران، میدان انقلاب،
خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲
واحد پذیرش مقالات:
۰۲۱-۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶

واحد صدور گواهی نامه:
۰۲۱-۴۴۴۱۷۶۴ و ۸۴

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ و ۰۹۱۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه‌های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی iCi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/citefactor/آریزونا)
برگزار می‌کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش‌های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محورهای همایش:

- * مقالات در گرایش‌های حقوق خصوصی، حقوق جزا
- * حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش‌های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش‌ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش‌های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده کتابچه به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می‌گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می‌گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه‌ها و سایت‌های ملی و بین‌المللی نمایه و درج می‌گردد. داوطلبان مقالات حداکثر سه روز می‌باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می‌شود.

همایش مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش‌های اجتماعی - موسسه قانون یار - دانشگاه رهنورد (افغانستان) - جهاد دانشگاهی - سال ۱۴۰۰